

# از مرگ نمی ترسم

ترجمه فریده نعمت‌اللهی

## اشاره

بی‌گمان «ادوارد او. ویلسون» یکی از بزرگ‌ترین زیست‌شناسان تأثیرگذار معاصر است. او بیش از شصت سال است که با برقراری ارتباط‌هایی بین بوم‌شناسی و رفتارشناسی نظریه‌هایی ارائه داده که علاوه بر آنکه در مجامع زیست‌شناختی مورد توجه قرار گرفته‌اند، جنجال‌هایی نیز درون و بیرون از مجامع علمی ایجاد کرده‌اند. او همچنین ده‌ها کتاب علمی و نیز علمی-مردمی منتشر کرده است. در این گفت‌وگو روش زندگی این زیست‌شناس بزرگ و تجارب یک عمر زندگی علمی او و دیدگاه گسترده و درهم‌تنیده‌او نسبت به طبیعت، حیات و مرگ آمده است که برای آشنایی بیشتر معلمان زیست‌شناسی کشور با زندگی پر تلاش و موفقیت‌آمیز زیست‌شناسان بزرگ معاصر مفید است. آنچه در پی می‌آید ترجمه گفت‌وگوی Claudia Dreifus با دکتر ویلسون است.

## مقدمه

می‌توان ادعا کرد که تاکنون هیچ فرد دیگری در زیست‌شناسی مانند «ادوارد او. ویلسون» نبوده است. او یکی از برجسته‌ترین پژوهشگران جهان در زمینه بوم‌شناسی، نظریه‌پردازی تأثیرگذار و نویسنده‌ای پرکار، مؤلف کتاب‌های پرفروش و افتخار‌آمیز است. ده‌ها سال است که نام او در مرکز بحث‌های علمی مطرح بوده؛ بحث‌هایی که از نشریات علمی خارج شده و به آگاهی عموم مردم هم رسیده است. او در میان فعالان محیط زیستی سالخورده‌ترین است و نوشته‌هایی بنیادینی در این زمینه دارد. او به زودی نودمین سالگرد تولدش را پشت سر خواهد گذاشت؛ اما هیچ نشانه‌ای از کاهش اشتیاق در او مشاهده نمی‌شود. «دیوید اسلوان ویلسون» زیست‌شناس دانشگاه بینگهامتون<sup>۲</sup> در نیویورک (که هیچ ارتباط خویشاوندی با او ندارد)، درباره او می‌گوید: «او نارنجک پرتاب می‌کند و دوست دارد تحریک‌کننده باشد و این در مورد کسی در مقام او غیرمعمول به نظر می‌رسد».

«ادوارد آیزورن ویلسون»<sup>۳</sup> در نوجوانی کار خود را با شناسایی و طبقه‌بندی گونه‌های مورچه‌ها در آلاباما، محل زندگی خود آغاز کرد، در سن ۲۹ سالگی به علت فعالیت‌های خود در زمینه مورچه‌ها، تکامل و رفتارشناسی جانوران، در دانشگاه هاروارد مشغول به کار شد و در دهه ۱۹۶۰ به شهرت دانشگاهی گسترده‌تری دست یافت. در آن زمان همراه با «رابرت مک آرتور»<sup>۴</sup>، بوم‌شناس برجسته اجتماع جانداران «نظریه زیست‌جغرافیایی جزیره‌ها» را ارائه دادند که بیانگر چگونگی استقرار حیات در جزایر تپه‌ای از زندگی در میان اقیانوس‌هاست. این نظریه اکنون به ستونی مستحکم در زیست‌شناسی حفاظت تبدیل شده است.

«ویلسون» در سال ۱۹۷۵، با انتشار کتاب «زیست‌جامعه‌شناسی: ترکیب نوین»<sup>۵</sup> موجی علمی ایجاد کرد. او در این کتاب همه آنچه را که درباره رفتار حشرات می‌دانست، به مهره‌داران از جمله انسان تعمیم داد. به باور او بسیاری از رفتارهای اجتماعی که در افراد مشاهده می‌شود، از جمله صفاتی مانند «دگرخواهی»<sup>۶</sup> ممکن است به علت انتخاب طبیعی باشد. «ویلسون» پس از انتشار این کتاب به نژادپرستی و اعتقاد به جبرگرایی ژنتیک متهم شد. در پی آن، گروهی از مردم طی تظاهراتی در خیابان‌های کمبریج خواستار اخراج او شدند؛ اما همه این بحث‌ها در سال ۱۹۷۹ پس از اهدای



## درک اکوسیستم‌ها و آنچه تعادل آن‌ها را تهدید می‌کند، چالش مهم بعدی زیست‌شناسی خواهد بود

از رختخواب بیرون می‌آیم. نمی‌دانم چه روی داده است. وقتی که ۴۰ ساله بودم، از خود می‌ترسیدم آیا در ۹۰ سالگی هم همین کارها را انجام خواهم داد و حالا انجام می‌دهم.

من هر سال یک کتاب می‌نویسم. هنوز به سفرهایم در زمینه تاریخ طبیعی ادامه می‌دهم. قرار بود همین ماه گذشته به پارک ملی «گورونگوزا»<sup>۱۲</sup> در موزامبیک بروم و کارهایی میدانی درباره کتاب بعدی‌ام انجام دهم؛ اما در آنجا فاجعه‌ای طبیعی روی داد. توفان آمد و کشته‌ها و خسارت‌های بسیاری بر جای گذاشت. دوستانم در موزامبیک فکر کردند که بهتر است صبر کنم. بنابراین، هنوز اینجا هستم و در حال کار روی سی‌ودومین کتابم. حتی اگر در این لحظه نتوانم سفر کنم، کارهای زیادی وجود دارد که در اینجا انجام دهم.

### این کتاب درباره چیست؟

درباره اکوسیستم. سال گذشته مؤسسه فناوری ماساچوست از من خواست که چند سخنرانی درباره اکوسیستم انجام دهم. وقتی که داشتیم آماده می‌شدم، فهمیدم که اطلاعات کمی در این مورد داریم. فکر کردم که در مورد اکوسیستم‌ها چیز زیادی نمی‌دانیم. درک اکوسیستم‌ها و آنچه تعادل آن‌ها را تهدید می‌کند، چالش مهم بعدی زیست‌شناسی خواهد بود. برای نجات محیط زیست باید بفهمیم که چگونه اکوسیستم‌ها را نجات دهیم.

### شما سخت‌کوش و معتاد به کار هستید.

#### این طور نیست؟

خوب بله. من معتقدم که معتاد بودن به کار بودن چیز بدی نیست. وقتی ۱۳ ساله بودم، جنگ جهانی دوم روی داد. در شهر من در «موبیل»، آلاباما از تعداد پسرانی که کار توزیع روزنامه‌ها را به عهده داشتند، کم شد. جوانان ۱۸ ساله همه به جنگ رفته بودند. بنابراین، من هر روز ۴۲۰ نسخه روزنامه را بین مشترکان روزنامه «موبیل پرس» توزیع می‌کردم. هر روز همه را برمی‌داشتم، بار دوچرخه‌ام می‌کردم و تحویل می‌دادم. بعدش هم به خانه برمی‌گشتم، ساعت ۷ صبح صبحانه می‌خوردم و به مدرسه می‌رفتم. فکر می‌کنم این طبیعی است. من همیشه به کارهای طولانی و سخت عادت داشتم. انجام کارهای غیرمعمول نیاز به سخت‌کوشی دارد. من کتاب‌های بزرگی نوشته‌ام که کار سخت می‌طلبیدند.

من همیشه به کارهای طولانی و سخت عادت داشتم. انجام کارهای غیرمعمول نیاز به سخت‌کوشی دارد

جایزه پولیتزر به «ویلسون» برای داستان فیلم «درباره طبیعت انسان»<sup>۱۳</sup> که نسخه عامه‌فهم کتاب «زیست‌جامعه‌شناسی» بود، خاموش شدند.

«ویلسون» تا زمان دریافت جایزه پولیتزر نویسنده‌ای روان‌نویس و خوش‌قلم بود که بیشتر برای دانشگاهیان می‌نوشت. از آن به بعد، شروع نوشتن برای مخاطبان عام کرد و تحقیقات زیست‌شناختی خود را به شکلی ساده و روان درآورد و منتشر کرد. چند سال بعد، در سال ۱۹۹۰ یک بار دیگر جایزه پولیتزر برای کتاب «مورچه‌ها»<sup>۱۴</sup> به او و همکارش «برت هودوبلر»<sup>۱۵</sup> تعلق گرفت. او همچنین یک سرگذشت‌نامه، یک رمان و بیش از بیست داستان نوشته و منتشر کرده است که بسیاری از آن‌ها مانند «زیست‌جامعه‌شناسی» جنجالی بوده‌اند.

کتاب‌های «ویلسون» بیشتر به یک موضوع پرداخته‌اند: باید تاریخ طبیعی و انتخاب طبیعی را بدانیم تا بتوانیم آینده بشریت را روی سیاره زمین به طور کامل درک کنیم؛ به بیان دیگر نجات انسان در گرو بررسی تاریخ طبیعی اوست. به عنوان مثال، او در بیانیه «زیست‌گرایی» در سال ۱۹۸۶، پیشنهاد کرد که انسان ذاتاً به طبیعت و «وابستگی به سایر اشکال حیات» گرایش دارد و در سال ۲۰۱۶ در کتاب «نیمه زمین: ستیز سیاره ما برای زندگی»<sup>۱۶</sup> پیشنهاد شخصی خود را برای پایان دادن به تخریب تنوع زیستی جهان ارائه داد و گفت: دولت‌ها باید از نیمی از کره زمین عقب‌نشینی کنند و نیمه رهاشده را به عنوان ذخیره‌گاه طبیعی اعلام کنند.

چندی پیش، آخرین اثر ویلسون تحت عنوان «پیدایش: ریشه‌های عمیق جامعه» منتشر شد. محتوای این کتاب به‌روزرسانی و تجدیدنظر در برخی اندیشه‌های اوست که در کتاب‌های قبلی آورده است. او تأکید کرده است که «پیدایش» یکی از مهم‌ترین کتاب‌های اوست.

این گفت‌وگو که درباره این کتاب جدید و سیر تحولی افکار و نظریه‌های این زیست‌شناس بزرگ است، در خانه او صورت گرفته و حدود سه ساعت به درازا کشیده که در اینجا ویراسته و خلاصه شده است.

### آیا درست است که شما وارد نودمین

#### سال زندگی خود شده‌اید؟

بله، ولی باورم نمی‌شود! احساس می‌کنم هنوز حدوداً ۳۵ تا ۴۰ ساله‌ام. همان اشتیاق را دارم و هنوز صبح‌ها به همان راحتی که همیشه داشتم

## من چند نظریه و فرضیه جدید مطرح کرده‌ام؛ به دنبال تجمیع زیست‌شناسی و علوم اجتماعی بوده‌ام تا بتوانیم ماهیت انسان را بهتر درک کنیم؛ دائری‌المعارف زندگی را ابداع کرده‌ام و اولین ترکیب زیست‌جامعه‌شناسی را ابداع کرده‌ام

### ● به نظر شما شاخص‌ترین دستاوردهای شما چه بوده‌اند؟

○ از من می‌خواهید خودستایی کنم؟ [لبخند می‌زند]. باشد. خوب، می‌توانم بگویم که من چند نظریه و فرضیه جدید مطرح کرده‌ام. نظریه زیست‌جغرافیایی جزیره‌ها زیربنای زیست‌شناسی حفاظت مدرن شده است. کارهایی مانند شکستن کدهای شیمیایی مورچه‌ها را انجام داده‌ام، یعنی با شیمی دانان و ریاضی دانان درباره چگونگی گفت‌وگوی مورچه‌ها با یکدیگر کار کرده‌ام.

من به دنبال تجمیع زیست‌شناسی و علوم اجتماعی بوده‌ام تا بتوانیم ماهیت زندگی انسان را بهتر درک کنیم؛ دائری‌المعارف زندگی را ابداع کرده‌ام تا همه اطلاعات مربوط به همه گونه‌های شناخته شده را در آن جای دهیم و اولین ترکیب زیست‌جامعه‌شناسی را ابداع کرده‌ام که به نوبه خود روانشناسی تکامل را به وجود آورده است.

رسیده است که تحقیقات جدیدتر آن‌ها را با آنچه من و دیگران درباره بی‌مهرگان انجام داده‌ایم، ترکیب کنم. حاصل این ترکیب در سال ۱۹۷۵ تحت عنوان «زیست‌جامعه‌شناسی» منتشر شد که شامل تحقیقات جدیدی در مورد رفتار اجتماعی نخستین هاست.

درواقع، در انتهای کتاب، یک فصل کامل در مورد «انسان خردمند» نوشته‌ام و پیشنهاد کردم که بسیاری از رفتارهای اجتماعی انسان را می‌توان در چهار چوب انتخاب طبیعی برخی فعالیت‌ها و مراحل توضیح داد که منجر به انتخاب گروهی پیچیده‌تر شده است.

البته، این چیز جدیدی نبود. آنچه جدید بود این بود که من ژنتیک و نظریه مدرن انتخاب طبیعی را وارد پژوهش‌های مربوط به رفتار اجتماعی کردم. من به دنبال تجمیع زیست‌شناسی و علوم اجتماعی بودم تا بتوانیم ماهیت زندگی انسان را بهتر درک کنیم.

### ● گفته می‌شود که یکی از کارهای بزرگ شما ترکیب اندیشه‌های مختلف علمی با هم بوده است. درست است؟

○ بله؛ می‌توانم بگویم من ترکیب‌کننده اندیشه‌ها بوده‌ام. من دوست دارم به طبیعت به‌طور گسترده نگاه کنم و همه چیزهایی را که در افق دید هستند، ببینیم؛ همه آن‌ها را با هم جمع کنم و تصویر بزرگ‌تری را از آن به نمایش بگذارم.

### ● ممکن است مثالی در این مورد بفرمایید؟

○ بله. کتاب چهارم من، «جوامع حشرات<sup>۱۳</sup>»، یکی از آن‌هاست. در دهه ۱۹۶۰ حشره‌شناسان بسیاری داشتیم که در زمینه شناخت حشرات اجتماعی، مانند زنبورها و مورچه‌ها کار می‌کردند؛ اما کسی نیامده بود همه یافته‌های آن‌ها را جمع‌بندی کند. بنابراین، در سال ۱۹۷۱، کتاب «جوامع حشرات» را منتشر کردم که بسیار موفق بود. درواقع، این کتاب نامزد نهایی جایزه کتاب ملی و باعث تعجب من شد. تا آن زمان، من هرگز به ادبیات فکر نکرده بودم. موفقیت این کتاب باعث شد به این فکر بیفتم که در مرحله بعدی کاری مشابه برای مهره‌داران، پستانداران، خزندگان، دوزیستان و ماهی‌ها هم انجام دهم.

در آن زمان، زیست‌شناسان خوب بسیاری مانند «جین گودال<sup>۱۴</sup>» و «دیان فوسی<sup>۱۵</sup>» که نخستین‌شناس بودند، روی رفتار اجتماعی انواع مهره‌داران کار می‌کردند. من فکر کردم وقت آن

### ● وقتی آن فصل آخر را می‌نوشتید، آیا می‌دانستید روی مین قدم می‌گذارید؟

○ نه، در آن زمان به هیچ‌وجه چنین تصویری نداشتم. به‌عکس، من فکر می‌کردم که مورد تحسین قرار خواهم گرفت؛ چون این امر زمینه‌های جدید در تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای، اصطلاح‌شناسی و تصور عمومی را به علوم اجتماعی می‌بخشد که می‌تواند جنبه‌هایی از رفتارهای اجتماعی انسان را که بررسی نشده‌اند، روشن کند؛ اما اوایل دهه ۱۹۷۰، زمانی که این کتاب تألیف شد، بحث‌ها و جدال‌های سیاسی شدید بود؛ بیشتر به علت جنگ ویتنام و عصبانیت از نابرابری‌های اقتصادی. برخی از همکاران من در هاروارد که نمی‌خواهم در اینجا از آن‌ها نام ببرم، با این تصور که ممکن است غرایز در انسان هم وجود داشته باشند، مشکل داشتند. آن‌ها جامعه‌شناسی را خطرناک و پر از پتانسیل نژادپرستی و یوژنی می‌دانستند. در حالی که کتاب من هیچ ارتباطی با نژادپرستی نداشت و این افراد تصوراتی جعلی در مورد من منتشر کردند.

### ● آیا فکر می‌کردند که می‌توان از «زیست‌جامعه‌شناسی» برای حمایت از عقاید نژادپرستانه در مورد ژنتیک استفاده کرد؟

○ فکر می‌کنم همین طور بود. در هر صورت، اعتراضات آغاز شد. اوضاع خیلی خراب شد. من می‌دانستم حق با من است و فقط باید طوفان را



تحمل کنم.

هنگامی که می‌رفتم در مرکز علوم هاروارد در این مورد سخنرانی کنم، گروهی در جلوی ساختمان جمع شده بودند. پلیس مجبور شد مرا به محل سخنرانی هدایت کند. وقتی هم در جلسه انجمن پیشرفت علم آمریکا حاضر شدم، برخی از معترضان آمده بودند آنجا، تریبون را به دست گرفته بودند، با فریاد به من اعتراض کردند و یکی از آنها از پشت سر یک پارچ آب یخ روی سرم ریخت.

## درون گروه‌ها، افراد خودخواه افراد دگر خواه را شکست می‌دهند؛ اما در درگیری‌ها گروه‌های افراد دگر خواه گروه‌های افراد خودخواه را شکست می‌دهند

### ● شما چه کردید؟

● هیچ! خودم را خشک کردم و بدون وقفه ادامه دادم. این تنها کاری بود که می‌توانستم انجام دهم.

### ● چه احساسی داشتید که چنین بر چسبی

خورده بودید؟

● می‌ترسیدم که این امر مزاحمت‌هایی برای خانواده، همسر و دخترم ایجاد کند. یک روز تجمعی در میدان هاروارد تشکیل شده بود که ترافیک را مختل کرده بود. تظاهرکنندگان خواستار اخراج من از دانشگاه بودند. البته، آتش این حرکات هرگز به خانواده من نرسید. من می‌دانستم حق با من است. می‌دانستم که فقط باید طوفان را تحمل کنم.

مطمئناً بعد از مدتی اندیشه‌هایی که در این کتاب مطرح شده بود، فراگیر شدند: این موضوع که ژنتیک راهی مؤثر برای درک بسیاری از جنبه‌های زیست‌شناسی و رفتار است. با گذشت زمان، این تصور که این کتاب مضر است، کمرنگ شد و دانشمندان بیشتری درباره این رویکرد نوشتند و بعضی‌ها هم درباره آن به پژوهش پرداختند.

آنچه واقعاً به آن پایان داد، دو سال بعد روی داد. در آن زمان من مدال ملی علوم را از رئیس جمهور دریافت کردم. من همچنین کتابی درباره جامعه‌شناسی و طبیعت انسان برای مخاطبان گسترده‌تر، نوشتم و منتشر کردم که برنده جایزه پولیتزر برای داستان‌نویسی عمومی شد.

### ● در کتاب «پیدایش» که اخیراً منتشر

کردید، برخی افکار که در «زیست‌جامعه‌شناسی» مطرح کرده‌اید، آمده است. از جمله سؤالاتی که مجدداً در آن مطرح کرده‌اید این است که «ماهیت انسان چیست؟» شما همچنین پرسیده‌اید: «آیا خودخواهی باعث تکامل انسان شده است؟». کنجکاوم بدانم چرا اکنون

### این کتاب را نوشتید؟

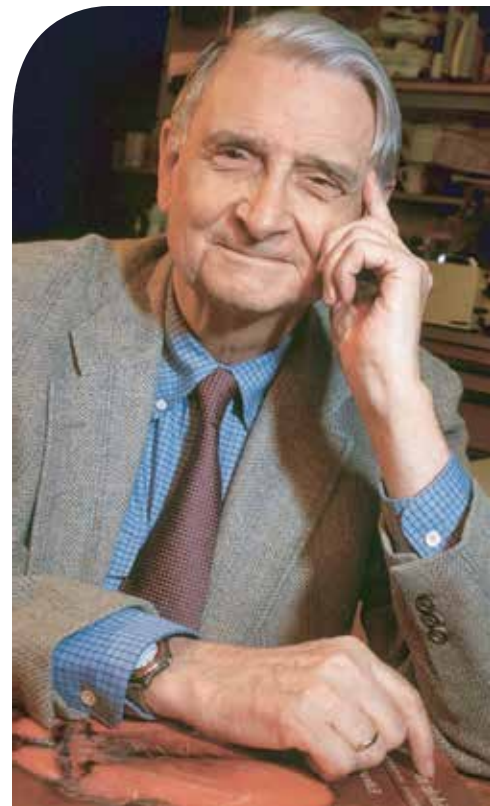
● تاریخچه این کتاب چنین است که در اوایل دهه ۱۹۶۰، من با «ویلیام دی. همیلتون» انگلیسی که متخصص ژنتیک بود، آشنا شدم. او این اندیشه درخشان را داشت که رفتار اجتماعی از «انتخاب خویشاوند» منشأ می‌گیرد که طی آن افراد درون گروه نسبت به کسانی که با آنها ژن‌های مشترک بیشتری دارند، رفتار دگرخواهی بروز می‌دهند. در انتخاب خویشاوندان، یک فرد ممکن است دارای خود را، یا حتی زندگی خود را فدای خویشاوندی کند که بیشترین تعداد ژن‌های مشترک را با او دارد. بنابراین، ممکن است فردی برای خواهر یا برادرش بیشتر از پسرعمو یا دیگر افراد فامیل فداکاری کند. نتیجه نهایی «انتخاب خویشاوند» نوعی دگرخواهی محدود به خویشاوندان است.

این فکر به زودی در جهان زیست‌شناسی مورد پذیرش قرار گرفت و عده‌ای حتی روی آن تعصب پیدا کردند. من در این کار به ارتقای کار «همیلتون» کمک کرده بودم؛ اما هر چه زمان می‌گذشت، شک و تردیدهایم در این باره بیشتر می‌شد.

من در تحقیقات خودم، جوامع پیچیده‌ای را مشاهده کرده بودم که از طریق انتخاب گروه تکامل یافته‌اند و در آن‌ها افراد برای بقای گروه دگرخواهی می‌کنند. مثلاً مورچه‌ها؛ موجوداتی که بر زمین مسلط هستند، با هم همکاری می‌کنند. مورچه‌ها، موریانه‌ها، انسان‌ها همین‌طورند.

در همین حال، «مارتین نوواک»<sup>۱۶</sup>، ریاضی‌دان کاربردی هاروارد، سؤالات مشابهی مطرح کرد. او و همکارش «کورینا تارنیتا»<sup>۱۷</sup> که اکنون در دانشگاه

**وقتی در جلسه انجمن پیشرفت علم آمریکا حاضر شدم، برخی از معترضان تریبون را به دست گرفتند، با فریاد به من اعتراض کردند و یکی از آن‌ها از پشت سر یک پارچ آب یخ روی سرم ریخت**



پریستون است، مقاله‌ای تهیه کردند که در آن جزئیات شبهه‌های خود را درباره «انتخاب خویشاوند» نوشتند. ما تلاش خود را بیشتر کردیم و در نهایت مقاله‌ای برای نشریه «نیچر» نوشتیم و در آن اعلام کردیم که تئوری «همیلتون» اساساً ناقص بوده است. ما احساس کردیم که این تئوری نمی‌تواند چگونگی پیدایش جوامع پیچیده را توضیح دهد.

● آن مقاله «نیچر» شما که در سال ۲۰۱۰ منتشر شد، دور دیگری از جنگ دانشگاهی را بر علیه شما آغاز کرد. چند ماه پس از انتشار مقاله، بیش از ۱۳۰ زیست‌شناس همکار شما نامه‌ای در این باره به سردبیران «نیچر» فرستادند. آیا در آن زمان به خود گفتید: «آه، دوباره شروع شد؟»

○ خوب، سردبیران «نیچر» دیدگاه دیگری داشتند. آن‌ها قبل از انتشار، ویراستاری را از لندن فرستادند و ما اینجا یک سمینار کامل در این باره داشتیم. آن‌ها استانداردهای بسیار بالایی دارند و پس از آن، راضی شدند که این مقاله کاملاً مستدل است، البته، شاید در بعضی جاها اشتباهاتی داشت که در آن زمان مشخص نبود و خود را نشان نمی‌داد؛ اما آن‌ها تصمیم گرفتند آن را چاپ کنند. در واقع، آن‌ها این مقاله را به اندازه‌ای دوست داشتند که روی جلد آن شماره را به آن اختصاص دادند.

● پس این همه هیاهو برای چه بود؟  
○ من در حال باطل کردن یا تلاش برای جایگزینی نظریه‌ای بودم که تعدادی دنبال‌کننده پیدا کرده بود و برخی آن را در پایان‌نامه دکترای خود و نیز در شرح حال خود ذکر کرده بودند. ادامه شغل آن‌ها به آن بستگی داشت؛ مقاله و کتاب نوشته بودند و در مورد آن سمینار داده بودند. بنابراین آن‌ها این کار مرا دوست نداشتند و گفتند: «کاملاً واضح است که درست است؛ چگونه می‌توانید آن را رد کنید؟» ما گفتیم: «ما مدل‌های ریاضی داریم. نگاهی بیاندازید.»

● شما با انتشار کتاب «پیدایش»، زخم‌های قدیمی را دوباره باز کردید. آیا می‌خواستید با منتقدان خود یک دور دیگر بجنگید؟

○ هم بله، هم نه. من می‌خواستم مشکلات مربوط به انتخاب گروه را برای همیشه حل کنم. فکر کردم مهم است که یا نظریه خود را براساس یک منطق قوی ریاضی ارائه دهیم. یا آن را کنار بگذاریم.

به نظرم «پیدایش» یکی از مهم‌ترین کتاب‌هایی است که من نوشته‌ام. این کتاب نشان می‌دهد که انتخاب گروه پدیده‌ای است که می‌توان دقیقاً تعریف کرد. من نشان می‌دهم که حداقل در ۱۷ مورد این اتفاق افتاده است.

تشکیل گروه بخش بزرگی از تغییرات بزرگ تکاملی است، حیات از جاندارانی شبیه باکتری به سلول‌هایی با ساختار درونی و از آن‌ها به جانداران ساده‌ای که مجموعه‌ای از این سلول‌ها بودند و از آن‌ها به جانداران متمایز و گروه‌ها و غیره پیشرفت کرده است. من این تغییرات را در پس زمینه تغییرات گروه می‌دانم، نه فرد.

تکامل رفتارهای اجتماعی باعث پیشرفت جامعه می‌شود. امتیاز ما انسان‌ها این است که دو پا هستیم و بازوها و انگشتان دست‌ها ما آزاد است. ما در ابتدا در ساوانا زندگی می‌کردیم، که آتش‌سوزی‌های [طبیعی] مکرر باعث پخته شدن حیوانات می‌شد. انسان این حیوانات را می‌خورد. علاوه بر این، حافظه بلندمدت خوبی داریم و توانایی همکاری با هم را داریم که دگرخواهی یکی از عوامل محرک آن است. نظریه «همیلتون» بیانگر آن است که سازوکاری ادامه پیدا می‌کند هنگامی که خویشاوندان گروه می‌آیند و به علت وجود ژن‌های مشترک بیشتر احتمال دارد که گروه تشکیل دهند؛ اما مدل‌های ریاضی از این نظریه پشتیبانی نمی‌کنند. برخی از موفقیت‌های تکاملی ما به دلیل تشکیل گروه اتفاق افتاده است. در گروه تمایل به دگرخواهی وجود دارد؛ چه روابط ژنتیکی باشد چه نباشد. افراد گروه‌ها اغلب با هم همکاری می‌کنند، این بخشی از علت موفقیت ما انسان‌های خردمند است.

● آیا ممکن است خلاصه‌ای از این نظریه خود به ما بدهید؟

○ همکار من «دیوید اسلون ویلسون» آن را این‌طور بیان می‌کند: درون گروه‌ها، افراد خودخواه افراد دگرخواه را شکست می‌دهند؛ اما درگیری‌های گروهی افراد دگرخواه گروه‌های افراد خودخواه را شکست می‌دهند.

می‌دانید، ما همه چیزهایی را که درباره جنبه‌های مخرب و منفی طبیعت انسان وجود دارد، شنیده‌ایم. شواهد بسیاری وجود دارد که نشان می‌دهند ما به دلیل ویژگی‌هایی که برای آینده آن‌ها را یکپارچه و براننده می‌دانیم، تکامل یافته‌ایم.

● دکتر ویلسون، شما شخصاً، بسیار تیزهوش و مؤدب هستید. پس چرا این همه جنجال به پا می کنید؟  
○ شاید به این دلیل باشد که من افکار اصیل را به افکاری که فقط در ظاهر دلپذیرند، ترجیح می دهم.

● نظریه زیست جغرافیای جزایر، زندگی شما را تحت تأثیر قرار داده است. حالا، در آستانه ۹۰ سالگی دوست دارید بیشتر با چه چیزی از شما یاد شود؟

○ [می خندد.] می دانید، من هرگز واقعاً سعی نکرده‌ام به این موضوع فکر کنم. خوب، شاید دوست داشته باشم که برای به دست آوردن چنین سن بالایی و اینکه تا آخر مثمرتر بوده‌ام، در یادها بمانم. دوست دارم به خاطر تلاش‌هایی که کرده‌ام به خاطر آورده شوم. مطمئناً همچین دوست دارم به خاطر ایجاد چندین رشته و نظریه جدید که در علم تأثیر داشته‌اند، در یادها باقی بمانم.

● آیا شما هرگز به مرگ فکر می کنید؟

○ من آموخته‌ام که با مرگ زندگی کنم. من به زندگی به عنوان یک داستان نگاه می کنم. در زندگی مجموعه‌ای از اتفاقات روی می دهند، بعضی از آن‌ها برای شما و چند نفر دیگر مهم است. طی زندگی کارهایی انجام می دهیم که می توان با آن‌ها یک داستان نوشت. این یعنی زندگی. بعضی‌ها در این فکرند که ۱۰ تا ۲۰ درصد بیشتر زندگی کنند. فکر نمی کنم این روش چندان هوشمندانه باشد. بنابراین، من از مرگ نمی ترسم؛ بلکه بیشتر مایلم این کتاب را که اکنون درباره اکوسیستم‌ها می نویسم به پایان برسانم و به علاوه، بفهمم چگونه برای انجام کارهای میدانی به موزامبیک بروم.

● از شما سپاسگزاریم.

پی نوشت‌ها

1. Edward O. Wilson
2. David Sloan Wilson
3. Binghamton University
4. Edward Osborne Wilson
5. Robert MacArthur
6. Sociobiology: The New Synthesis
7. altruism
8. On Human Nature
9. The Ants
10. Bert Hölldobler
11. Half Earth: Our Planet's Fight for Life
12. Gorongosa
13. The Insect Societies
14. Jane Goodall
15. Dian Fossey
16. William D. Hamilton
17. Martin Nowak
18. Corina Tarnita

منبع

1. <https://www.quantamagazine.org/edward-o-wilson-finds-hope-in-selfless-ants-and-ecology-studies-20190515/>